

بِسْمِ تَعَالَى

راهبرد جمهوری اسلامی ایران  
در قبال سیاست فشار حداکثری امریکا  
گزارش راهبردی شماره ۳

تیرماه ۱۳۹۹



ایرانس

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا

The Institute for Iran-Eurasia Studies

ЦЕНТР ПО ИЗУЧЕНИЮ ИРАНА И ЕВРАЗИИ

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، موسسه‌ای پژوهشی و غیردولتی است که از سال ۱۳۸۳ به عنوان نخستین موسسه پژوهشی تخصصی در حوزه جغرافیایی اوراسیا فعالیت خود را آغاز کرده است. هدف موسسه مطالعه زمینه‌های موضوعی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و واکاوی سیاست‌گذاری‌های معطوف به پهنه جغرافیایی اوراسیا است.

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از پارک ساعی،

کوچه شهید عطاءالله امینی، پلاک ۲، واحد ۶

کدپستی: ۱۴۳۴۷۳۴۳۶۶

تلفن / دورنگار: ۸۸۷۷۰۵۸۶ - ۸۸۷۹۲۴۹۶

پایگاه اینترنتی: [www.iras.ir](http://www.iras.ir)

## راهبرد جمهوری اسلامی ایران

### در قبال سیاست فشار حداکثری امریکا<sup>۱۱</sup>

#### خلاصه اجرایی

- مقام‌های امریکایی تمام توان خود را در ماه‌های اخیر به کار گرفته‌اند تا پیش از پایان دوران ریاست جمهوری ترامپ، یا قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران را مجدداً فعال نمایند و یا اینکه حداقل توافق برجام را به نقطه غیر قابل بازگشتی برای رئیس جمهور بعدی امریکا برسانند.
- در حال حاضر از سوی امریکایی‌ها چهار مسیر جداگانه برای اعمال فشار بر ایران در حال پیگیری است که هر یک به رغم پیوستگی، اقتضائات و پیامدهای خود را دارد.
- در موضوع حمایت از برجام و مخالفت با عدم لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران، روسیه و چین به نظر نمی‌رسد دلیلی برای کوتاه آمدن در برابر امریکا داشته باشند.
- با این حال، حمایت روسیه و چین از موضع ایران تا زمانی خواهد بود که ایران به همکاری خود با آژانس ادامه دهد.

---

<sup>۱۱</sup> - متن حاضر جمع‌بندی نشست تعدادی از کارشناسان و صاحب‌نظران مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی است.

- در خصوص انتخابات آتی در امریکا روسیه و چین بیشتر از اروپاییها به استمرار ترامپ در قدرت نظر مثبت دارند. اما نمی‌خواهند قمار کمک به ترامپ را بپذیرند.
- قطعا آمریکا برای مقابله با اقدامات چین و روسیه برنامه دارد. انفعال اروپایی ها هم این اجازه را به آمریکایی‌ها می‌دهد که فشار بیشتری به روسیه و چین وارد کنند.
- اتحادیه اروپا می‌خواهد برجام باقی بماند اما حاضر نیست بابت آن هزینه بدهد. اروپایی ها علاقمند به افزایش فشار علیه ایران هستند، اما راضی به مرگ برجام نیستند.
- مسئله این است که اروپا تا چه زمانی فرصت دارد بر سر موضع دوگانه باقی بماند. هرچه به انتخابات آمریکا نزدیکتر می‌شویم زمان برای تصمیم‌گیری اروپا تنگتر میشود.
- اروپا مایل نیست از طریق سوق دادن ایران به سمت مذاکره با ترامپ و تن دادن به شرایط مذاکره با امریکا، به ترامپ خوراک تبلیغاتی در دوران انتخاباتی‌اش بدهد.
- چهار سناریو تا زمان انتخابات امریکا احتمال وقوع خواهد داشت. اول، فعال شدن مکانیسم ماشه؛ دوم، تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران ضمن تأکید بر بقای برجام؛ سوم، توافق آمریکا، اروپا، روسیه و چین بر سر تمدید بخشی از تحریم‌های تسلیحاتی ایران بدون حذف برجام؛ و چهارم، تداوم وضع موجود و ناکامی امریکا در رسیدن به اهداف خود.

- با توجه به شرایط موجود احتمال تصویب سند بین‌المللی علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل بسیار اندک است و آمریکا ناگزیر است سیاست فشار حداکثری علیه ایران را به صورت یکجانبه دنبال کند.
- در این فرایند روسیه، چین و اروپا احتمالاً ناگزیر به دادن امتیازهایی به آمریکا خواهند شد. در مورد لغو تحریم‌های تسلیحاتی احتمالاً دو طرف می‌توانند به یک راه حل میانه برسند، مشروط بر اینکه آمریکا نخواهد اروپا را برای فعال کردن مکانیسم ماشه تحت فشار قرار دهد.
- در مورد برجام یک نکته مهم هم که باید مد نظر داشت این است که حتی در صورت انتخاب بایدن هم چشم‌انداز روشنی برای حل مسئله وجود ندارد.
- در حال حاضر سه راهبرد متفاوت برای مقابله با سیاست فشار حداکثری آمریکا در پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد: اول، همراهی کامل با روسیه و چین به منظور استفاده از ظرفیت این دو کشور؛ دوم، تشدید فشار در زمینه هسته‌ای؛ سوم، تشدید فشار در زمینه غیر هسته‌ای و به طور مشخص در سطح منطقه‌ای.
- یکی از اقداماتی که ایران باید در برهه فعلی انجام دهد بازسازی تصویر قدرت خود پس از ترور سردار سلیمانی نزد متحدان منطقه‌ای و رقبایش است.

- توقف فشارهای منطقه‌ای علیه متحدان غرب به معنای کارآمدی استراتژی ترامپ و عاملی برای موفقیت وی در انتخابات خواهد بود.
- نباید اجازه داد در شرایط فعلی روابط ایران با آژانس دچار مشکل شود. این مسئله کاملاً در جهت استراتژی امریکاست.

### طرح مسئله

هم‌زمانی صدور قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بیانیه دبیرکل سازمان ملل در مورد منشاء ایرانی داشتن تسلیحات به کار رفته در حمله به تأسیسات نفتی آرامکوی عربستان با تلاش‌های امریکا برای جلوگیری از لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران و در صورت امکان فعال‌سازی مکانیسم ماشه در چارچوب توافق برجام، عملاً جمهوری اسلامی ایران را در یک تنگنای چندجانبه قرار داده است. مقام‌های امریکایی تمام توان خود را در ماه‌های اخیر به کار گرفته‌اند تا پیش پایان دوران ریاست جمهوری ترامپ، یا قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران را مجدداً فعال نمایند و یا اینکه حداقل توافق برجام را به نقطه غیر قابل بازگشتی برای رئیس‌جمهور بعدی امریکا برسانند.

در این راستا گزارش حاضر ضمن بررسی و ارزیابی وضع موجود تلاش می‌کند تا به چند پرسش زیر پاسخ بگوید:

۱. کدام یک از برنامه‌های چهارگانه آمریکا برای اعمال فشار حداکثری به ایران احتمال تحقق بیشتری دارد و در صورت به نتیجه رسیدن هر کدام از پویش‌های آمریکا، عکس‌العمل ایران در چه حوزه‌ای باید باشد که بیشترین فایده و کمترین خطرپذیری را به همراه داشته باشد؟

۲. روسیه و چین در شرایط انفعال اروپایی‌ها چه کمکی احتمالاً می‌توانند به ایران بکنند؟

۳. تاکتیک‌های مختلفی که ایران در سیاست خارجی طی چند ماه آینده برای جلوگیری از صدور یا بازگشت قطعنامه‌ها و عبور از این مرحله حساس می‌تواند اتخاذ کند کدام است؟

## ارزیابی وضعیت

در حال حاضر از سوی امریکایی‌ها چهار مسیر جداگانه برای اعمال فشار بر ایران در حال پیگیری است که هر یک به رغم پیوستگی، اقتضائات و پیامدهای خود را دارد.

(۱) اواخر خردادماه دبیرکل سازمان ملل در گزارشی به شورای امنیت مدعی شد، موشک‌های کروز که سال گذشته در حملات متعددی به تأسیسات نفتی و فرودگاه بین‌المللی در عربستان سعودی از آنها استفاده شد، دارای «منشأ ایرانی» بوده‌اند. وی در گزارش خود

اشاره می‌کند که این اقدام ممکن است با قطعنامه سال ۲۰۱۵ شورای امنیت درباره ممانعت از توسعه سلاح‌های هسته‌ای ایران، موضوع توافق تهران با قدرت‌های جهانی به شکلی متناقض باشد.

(۲) در تاریخ ۱۹ ژوئن (۳۰ خرداد) آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای قطعنامه پیشنهادی تروئیکای اروپایی را با ۲۵ رأی مثبت در قبال دو رأی منفی چین و روسیه و ۷ رأی ممتنع به تصویب رساند. در این قطعنامه بدون توجه به همکاری‌های گسترده ایران با آژانس در سال‌های گذشته، از ایران خواسته شده است که امکان دسترسی بازرسان آژانس را برای بازدید از دو مکان مشخص شده فراهم نماید. در جریان تصویب این قطعنامه نماینده آلمان در آژانس مدعی شد ممانعت ایران از دسترسی به دو مکان - آن هم بر خلاف پیام بسیار روشن شورای حکام در نشست قبلی - چالشی برای رژیم پادمانی جهانی است. وی همچنین تأکید کرد که اقدامات یک دولت در ممانعت از دسترسی قانونی آژانس برای چهار ماه و تعامل ناکافی به مدت یک سال، سزاوار واکنشی از سوی شورا است.

(۳) روز دوم تیر ماه آمریکا پیش‌نویس قطعنامه‌ای را برای ممانعت از لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران به اعضای شورای امنیت ارایه کرد و شورای امنیت سازمان ملل نیز نخستین جلسه رایزنی برای بحث درباره قطعنامه پیشنهادی آمریکا را سه‌شنبه ۱۰ تیر



برگزار کرد. در این قطعنامه پیشنهادی آمریکا خواستار منع فروش، عرضه یا انتقال سلاح یا اقلام مرتبط از سوی ایران است. این قطعنامه همچنین کشورها را از فروش، عرضه، یا انتقال سلاح یا اقلام مرتبط به ایران، مگر در صورت موافقت کمیته‌ای در شورای امنیت منع می‌کند. این پیش نویس قطعنامه از کشورها خواسته اقدام به بازرسی کشتی‌های ایران در آب‌های آزاد کنند. چین و روسیه به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت که از حق وتو برخوردارند مخالفت خودشان را با طرح آمریکا اعلام کرده‌اند.

(۴) یکی دیگر از راه‌های مورد نظر آمریکا برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی، ارجاع پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی به شورای امنیت از طریق فعال کردن راهکار رفع اختلاف موسوم به مکانیسم ماشه است. پیش از این برخی مقام‌های ارشد آمریکا از جمله مایک پمپئو ادعا کرده بودند که ایالات متحده اگرچه در اردیبهشت ۱۳۹۷ از برجام خارج شده، هنوز از "مشارکت‌کنندگان" در آن محسوب می‌شود و به این اعتبار می‌تواند مکانیسم ماشه را فعال کند. این در حالی است که برجام عیناً در ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ آمده و بخشی از این قطعنامه است و کشورها نمی‌توانند بخشی از قطعنامه را که خودشان به آن رای دادند قبول نکنند و صرفاً آن بخش را اجرا کنند که به نفع خودشان می‌دانند. بنابراین تنها راه آمریکا برای فعال کردن مکانیسم ماشه کمک گرفتن از انگلیس و فرانسه است که هنوز در برجام باقی مانده‌اند.

به طور کلی طی چند ماه آینده به نظر می‌رسد که ایران و امریکا مواجهه سرنوشت‌سازی با یکدیگر داشته باشند. در اینکه سرانجام این مواجهه به کجا منجر خواهد شد به چهار عامل زیر بستگی خواهد داشت:

- اول اینکه در انتخابات پیش رو تا چه اندازه ترامپ به یک پیروزی در هر حوزه‌ای نیاز داشته باشد؛
- دوم اینکه روسیه و چین تا چه اندازه برای حفظ برجام حاضر باشند هزینه کنند،
- سوم اینکه اروپایی‌ها تا چه اندازه با ترامپ همراهی کنند؛
- چهارم اینکه برخی جریان‌های داخلی تا چه اندازه بخواهند از این فرصت برای زدن ضربه نهایی به پیکر نحیف برجام استفاده کنند.

## واکنش روسیه و چین

از زمان خروج امریکا از برجام مقام‌های روسی و چینی مکرراً مخالفت خود را با اقدام یک‌جانبه امریکا اعلام کرده و آن را مغایر موازین بین‌المللی و بستر ساز تشدید تنش و درگیری اعلام کرده‌اند. با این حال، سیاست روسیه و چین در برابر تلاش‌های امریکا در جهت اعمال فشار مضاعف بر جمهوری اسلامی ایران، فراتر از مواضع اصولی و اعلامی، متأثر

از عوامل گوناگونی است که نوع واکنش ایران به تلاش‌های امریکا یکی از این عوامل محسوب می‌شود.

در خصوص اقدام امریکا برای عدم لغو تحریم تسلیحاتی ایران، روسیه و چین به چند دلیل به احتمال زیاد به قطعنامه تحریم تسلیحاتی ایران رأی منفی خواهند داد؛ اول اینکه روسیه و چین مهمترین و به عبارتی تنها کاندیداهای فروش تسلیحات به ایران پس از لغو تحریم‌ها در اکتبر سال جاری هستند و از این نظر منافع آنها در معامله تسلیحاتی با ایران و لغو این تحریم‌هاست. دوم اینکه بر خلاف امریکا، چین و روسیه ایران را عامل بی ثباتی در منطقه خاورمیانه نمی‌دانند و با توجه به مبارزه ایران علیه داعش در سوریه و عراق ایران را عامل ثبات و صلح در منطقه می‌دانند. سوم آنکه نقش ایران را برای کنترل توسعه‌طلبی امریکا در راستای منافع رقابتی‌شان با امریکا مثبت ارزیابی می‌کنند.

در موضوع حمایت از برجام و مخالفت با فعال شدن مکانیزم ماشه روسیه و چین به نظر نمی‌رسد دلیلی برای کوتاه آمدن در برابر امریکا داشته باشند. زیرا منافع آنها در تداوم برجام است و ایران متعهد به برجام برای چین و روسیه مطلوب‌تر از ایرانی است که هیچ نظارت و کنترل و محدودیتی را نپذیرفته باشد. با این حال، حمایت روسیه و چین از موضع ایران تا زمانی خواهد بود که ایران به همکاری خود با آژانس ادامه بدهد. اگر قرار باشد ایران پیشنهاد برخی جریان‌های داخلی در مورد قطع همکاری با آژانس و یا خروج از پیمان NPT را اجرا

کند بطور قطع روسیه و چین حمایت خودشان را از ایران متوقف می‌کنند. همچنانکه بین سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ به شش قطعنامه تحت فصل هفتم علیه ایران رای مثبت دادند. هم چین و هم روسیه به رغم هم‌سویی با ایران، ایران مجهز به سلاح هسته‌ای را تهدیدی علیه خودشان و علیه امنیت بین‌الملل تلقی می‌کنند. بنابراین هر تصمیمی که ایران در باره روابطش با آژانس اتخاذ کند نه تنها بر موضع دشمنانش اثر گذار است بلکه ممکن است موجب شود دوستان ایران به امریکا و اسرائیل نزدیک شوند.

در خصوص انتخابات آتی در امریکا روسیه و چین بیشتر از اروپاییها به استمرار ترامپ در قدرت نظر مثبت دارند. اما نه می‌خواهند قمار کمک به ترامپ را بپذیرند و نه وجه‌المصلحه‌ای جدی برای فدا کردن در میان است. اینکه ایران وجه‌المصلحه قرار بگیرد چون نتایج روشن و تضمین شده‌ای ندارد، یک قمار بزرگ خواهد بود. به هر حال، این نگرانی که روسیه و چین اهل معامله هستند و ممکن است بر سر ایران معامله کنند با واقعیت‌های موجود منطبق نیست. روسیه و چین بصورت مبنایی از ایران و روند صلح حمایت می‌کنند. چین و روسیه دلیلی برای همراهی با آمریکا نخواهند داشت اما این را هم باید در نظر گرفت که آمریکا هم هر تیری در ترکش دارد را طی چند ماه آینده رها خواهد کرد. قطعاً آمریکا برای مقابله با اقدامات چین و روسیه برنامه دارد. انفعال اروپایی‌ها هم این اجازه را به آمریکایی‌ها می‌دهد که فشار بیشتری به روسیه و چین وارد کنند.

برایان هوک رئیس «گروه اقدام ایران» در وزارت خارجه امریکا تهدید کرد که چین و روسیه در صورتی که با خواسته آمریکا مبنی بر تحریم تسلیحاتی ایران همراهی نکنند منزوی خواهند شد. وی همچنین اظهار داشت «ما شکافی رو به گسترش میان روسیه و چین با جامعه بین‌المللی را مشاهده می‌کنیم.»

در خصوص موضع چین در مورد خروج امریکا از برجام، جان بولتون در کتابش به این مسئله اشاره می‌کند که اندکی پیش از خروج آمریکا از برجام، ترامپ، شی جین پینگ را مطلع کرده و شی پاسخ داده که چین نمی‌خواهد این اقدام ترامپ به معضلی در روابط چین با آمریکا بدل شود. اگر این روایت درست باشد، چین نگاه خیلی واقع‌گرایانه و مبتنی بر منافع ملی خود به موضوع خروج آمریکا از این توافق داشته است. رفتار چین در دو سالی که از خروج می‌گذرد با این روایت همخوانی دارد. البته چین در ماه‌های اخیر تغییرات اندکی در رفتارش صورت داده، اما با توجه به اینکه سیاست خارجی این کشور به کندی تغییر می‌کند، در تحلیل رفتار آن در قبال ایران توجه به این روایت مهم است.

## موضع اروپا

موضع اتحادیه اروپا در قبال ایران متأثر از عوامل متعددی است. اگرچه برخی در داخل کشور همچنان امید دارند که شاید اتحادیه اروپا مانند گذشته مفری برای ایران ایجاد کند،

ولی متأسفانه چنین انتظاری در شرایط کنونی اصلاً امکان‌پذیر نیست، زیرا اولاً اتحادیه اروپا مثل آمریکا ایران را عامل بی‌ثبات‌سازی در منطقه می‌داند، ثانیاً اتحادیه اروپا مانند آمریکا حمایت ایران از حزب‌الله و حماس و جهاد اسلامی فلسطین را حمایت از تروریست‌ها می‌داند؛ ثالثاً اتحادیه اروپا مانند آمریکا ایران را ناقض حقوق بشر در موارد متعددی می‌داند؛ و چهارم اینکه اتحادیه اروپا و آمریکا موضع ایران در مورد نابودی اسرائیل را محکوم می‌کنند. بر این اساس اروپایی‌ها نیز با لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران مخالف هستند. با این حال اتحادیه اروپا واقعا از برجام حمایت می‌کند، زیرا این توافق را کمک‌کننده به عدم اشاعه هسته‌ای و در نتیجه کمک به امنیت اروپا می‌داند. ضمن آنکه مخالف درگیر شدن آمریکا با ایران هستند، زیرا این مسئله احتمالاً موجب به راه افتادن یک جنگ منطقه‌ای می‌شود که کمترین اثر آن برای اروپا موج جدید مهاجرت از غرب آسیا به اروپا خواهد بود. واضح است که اتحادیه اروپا می‌خواهد برجام باقی بماند اما حاضر نیست بابت آن هزینه بدهد. مسئله این است که اروپا تا چه زمانی فرصت دارد بر سر موضع دوگانه باقی بماند. هرچه به انتخابات آمریکا نزدیکتر می‌شویم زمان برای تصمیم‌گیری اروپا تنگتر میشود.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه در خصوص ایران مطلقاً چیزی به نام «استراتژی واحد» در طرف اروپایی وجود ندارد. اهداف البته مشخص است: حفظ برجام و جلوگیری از فروپاشی

آن به عنوان یک نظام موثر منع اشاعه به اضافه ضرورت مدنظر قرار دادن یا محدود سازی رفتار منطقه‌ای ایران.

واقعیت این است که اروپایی‌ها علاقمند به افزایش فشار علیه ایران هستند، اما راضی به مرگ برجام نیستند. در نتیجه درباره تحریک بیشتر ایران با احتیاط اقدام خواهند کرد. به ویژه اینکه با آمریکای تحت رهبری ترامپ هم دلیل زیادی برای همکاری ندارند. در واقع در سمت جناح غربی هم اتحاد مستحکمی وجود ندارد.

میزان نگرانی اروپائی‌ها از نمایش قدرت ایران در منطقه پس از خروج امریکا از برجام هم به اندازه امریکا نیست. دلیل آن هم واکنش ضعیف آنها به وقایعی چون حمله به تأسیسات آرامکو، مناقشه ایران و انگلیس بر سر تصرف نفت‌کش‌های یکدیگر و یا ناامنی عبور نفت‌کش‌ها در تنگه هرمز بود. در واقع اروپا تلاش کرد تا از این اقدامات استفاده کند تا به مخالفان ترامپ در امریکا هزینه‌های خروج آن کشور از برجام را نشان دهد و به اصطلاح خروج ترامپ از برجام، به سلاحی در اختیار او در عرصه داخلی و بین‌المللی تبدیل نشود. اگرچه در مورد رویکرد اروپایی‌ها به انتخابات امریکا هنوز نشانه‌های روشنی وجود ندارد، به اعتقاد برخی از کارشناسان، کشورهای اروپایی مخصوصاً آلمان و فرانسه مایل نیستند که ترامپ برنده خروج از برجام و استفاده از کارت آن در بازی انتخابات باشد. تمایل استراتژیک اروپایی‌ها بیشتر به سمت شکست ترامپ در انتخابات گرایش دارد. این نکته‌ای است که

چین و روسیه هم به آن واقف هستند. این مسئله حتماً روسیه و چین را برای وتوی پیش نویس قطعنامه تشجیع می‌کند. ممکن است اروپایی‌ها بر اثر فشار امریکا به پیش‌نویس رأی مثبت دهند اما این سیگنال را به چین و روسیه خواهند داد که آنها وتو کنند. البته دیدگاه دیگر در این زمینه این است که به دلیل نبود استراتژی یا به طور مشخص، نداشتن دیدگاه روشن درباره چگونگی رسیدن به اهداف در طرف اروپایی، در مورد وجود نوعی تقسیم کار بین اروپا از یک طرف و روسیه و چین از طرف دیگر هم تردید وجود دارد.

به طور کلی موضع اروپایی‌ها از موضع چین و روسیه اهمیت بیشتری دارد. اگر آنها واقعا به دنبال شکست ترامپ در انتخابات باشند، حتماً از این فرصت استفاده خواهند کرد و اجازه نخواهند داد که ترامپ با استفاده از این وضعیت پیروز انتخابات باشد. به هر حال، اگرچه تعدادی از رهبران اروپایی روی کار آمدن کاندیدای مقابل را بر پیروزی مجدد ترامپ ترجیح می‌دهند، اما برای اکثریت جامعه سیاسی و اقتصادی اروپا، فارغ از این که چه کسی در کاخ سفید باشد، همکاری با آمریکا اهمیت حیاتی و اولویت دارد. به عبارت دیگر، با وجود آن که اروپایی‌ها به منظور ایجاد فضایی برای بازیگری اتحادیه اروپا بر چندجانبه‌گرایی تأکید می‌کنند، اما توان مقابله با آمریکا را ندارند و در شرایطی که بین تعهد به همکاری با آمریکا از یک سو و حفظ برجام و تعهد همکاری با ایران از سوی دیگر، مجبور به انتخاب باشند، در انجام این انتخاب با دشواری‌چندانی مواجه نیستند و ناگزیر به همکاری با آمریکا خواهند



بود. اروپا از ضعف جایگاه خود به لحاظ حقوقی در جهت امکان حفظ برجام آگاه است و در واقع اعلام اینکه ایران می‌بایست با امریکا وارد تعامل شود به نوعی اذعان به نقش ضعیف - یا عدم نقش آفرینی واقعی - اروپاست.

در رابطه با موضع اروپایی‌ها نکته حائز اهمیت دیگر این است که از زمان آغاز مسئله هسته‌ای ایران تاکنون موضع اروپا این بوده است که این موضوع اساساً از راه مذاکره مستقیم ایران و امریکا قابل حل شدن است و در آخرین مورد نیز رهبران فرانسه، آلمان و انگلیس در حاشیه نشست مجمع عمومی در نیویورک تلاش زیادی را برای متقاعد کردن رئیس‌جمهور ایران به مذاکره با ترامپ به عمل آوردند. با این حال، طی یک سال اخیر به نظر می‌رسد که اروپایی‌ها دیگر مانند گذشته علاقه‌ای برای تحت فشار گذاشتن ایران برای مذاکره با امریکا ندارند. به احتمال زیاد حتی اروپایی‌ها مایل به مذاکره بین ایران و امریکا در شرایط فعلی نیستند. هیچ نشانه‌ای از اصرار یا پیشنهاد جدی از سوی طرف اروپایی به ایران جهت مذاکره با امریکا در این دوره وجود نداشته است. در مقایسه با شکست قرارداد تهران، که اروپایی‌ها به طور ممتد به ایران فشار می‌آوردند که مذاکره EU3 با ایران بدون حضور امریکا غیر ممکن است، آنها در واکنش به فشار ترامپ برای وادار کردن ایران به مذاکره مستقیم عموماً سکوت کرده‌اند، در حالی که می‌توانستند به ایران فشار بیاورند که تن به مذاکره بدهد. این تصور وجود دارد که اروپا مایل نیست از طریق سوق دادن ایران به سمت مذاکره با ترامپ

و تن دادن به شرایط مذاکره با امریکا، به ترامپ خوراک تبلیغاتی در دوران انتخاباتی‌اش بدهد.

به طور مشخص در مورد آلمانی‌ها می‌توان گفت که زبان اعلامی آنها به دلیل لابی‌های سنگین اسرائیلی‌ها و فشار امریکایی‌ها نسبت به ایران انتقادی است اما رفتارشناسی آنها حاکی از این است که با افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، به عنوان کشوری که روابط تاریخی با آن دارند، مشکلی ندارند. ولکر پرتس مشاور مرکل و رییس SWP سال گذشته گفته بود که اجازه نمی‌دهیم امریکا با برگرداندن تحریم‌ها بخواد داخل ایران را بی‌ثبات کند. این موضوع در واقع بیشتر ناشی از نگرانی اروپا از تاثیرات بی‌ثباتی احتمالی در ایران بر امنیت اروپا، به ویژه در بحث احتمال جریان یافتن موجی جدید از پناهجویان است. ضرورت حفظ ثبات در ایران و جلوگیری از وقوع درگیری یکی از محورهای اصلی دیدگاه اروپایی‌هاست. علاوه بر این، آلمان اولین کشور اروپایی بود که پایه‌گذار ایده اینستکس بود و حتی سفیر سابق آلمان در ایران، برند اربل که گرایش‌های شدید به سمت ایران دارد و منتقد جدی اسرائیل هست و به نحوی مقاومت حزب‌الله در مقابل اسرائیل را طی یک مصاحبه‌ای ستوده بود، را به عنوان رییس این صندوق گذاشتند. انتصابی که یک شبه با فشار اسرائیلی‌ها لغو شد.

به هر حال، در شرایط موجود اروپایی‌ها دیگر فرصت زیادی برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه باید نگران افزایش قدرت منطقه‌ای ایران باشند و یا نگران از دست رفتن برجام، ندارند. طی چند ماه آینده آنها باید تصمیم بگیرند که کدام مهمتر است. اگر اروپا به سمت همراهی بیشتر با امریکا پیش برود به احتمال زیاد کاری از دست چین و روسیه هم بر نخواهد آمد.

### سناریوهای پیش‌رو

استراتژی دولت ترامپ در مورد برجام در بهترین حالت (برای ترامپ) پایان دادن به برجام و بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت و در بدترین حالت غیر قابل بازگشت ساختن آن برای دولت بعدی است. در این شرایط چهار سناریو تا زمان انتخابات احتمال وقوع خواهد داشت.

- اول فعال شدن مکانیسم ماشه؛ که در اینصورت وضعیت برای همه طرف‌ها به طور ماهوی تغییر خواهد کرد. در این وضعیت احتمالاً روسیه و چین ضمن همدلی با ایران کمک چندانی به ما نمی‌توانند بکنند. امکان فعال شدن مکانیزم ماشه یک احتمال جدی (هرچند ناچیز) است و تبعاتی قابل توجه برای ایران دارد. ایران باید به سمت ایجاد مکانیسمی بدیل (حداقل در سطح دیپلماتیک) با روسیه و چین برود تا هم در

برابر تحرک اروپا در این جهت بازدارندگی ایجاد کند و هم در صورت تحقق، با همدلی و همراهی بیشتری از سوی این دو کشور مواجه شود؛

- دوم تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران ضمن تأکید بر بقای برجام؛ نتیجه چنین وضعیتی عملاً محروم‌سازی ایران از آخرین دستاورد برجام خواهد بود. اروپایی‌ها کاملاً موافق با این سناریو هستند اما چین و روسیه حتماً با آن مخالفند. با این حال، این دو کشور ممکن است تحت شرایط سخت برای حفظ ظاهر برجام با آن موافقت کنند.

- سوم توافق آمریکا، اروپا، روسیه و چین بر سر تمدید بخشی از تحریم‌های تسلیحاتی ایران بدون حذف برجام که در اینصورت حد میانه‌ای برای همه طرف‌ها خواهد بود. البته در این میان بازهم چیزی عاید ایران نخواهد شد و تنها ممکن است توافق برجام تا زمان انتخابات آمریکا حفظ شود.

- چهارم تداوم وضع موجود و ناکامی آمریکا در رسیدن به اهداف خود برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه یا عدم لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران. چنین سناریویی با توجه دورخیز امریکایی‌ها امکان تحقق اندکی دارد و بعید به نظر می‌رسد که ترامپ حاضر باشد با دست خالی در مورد ایران به استقبال انتخابات برود.

## چشم‌انداز آینده

در خصوص تحولات قابل پیش‌بینی تا زمان آغاز انتخابات امریکا چند نکته حائز اهمیت است:

- در خصوص سناریوهای احتمالی تا انتخابات امریکا به نظر می‌رسد رویکرد ایران و امریکا تا حد زیادی مشخص است اما رفتارهای کشورهای اروپایی و چین و روسیه با عدم قطعیت‌هایی همراه است و تعیین‌کننده محسوب می‌شوند. امریکا به دنبال فشار حداکثری برای فروپاشی برجام و تداوم تحریم تسلیحاتی ایران است و صحبت‌های ترامپ در مورد مذاکره با ایران نیز احتمالاً نتیجه‌ای نخواهد داشت. ایران نیز بعید است که در فضای کنونی به رفتارهای ناگهانی مانند خروج از برجام یا ان‌پی‌تی اقبالی نشان دهد و رفتارهای آن در قبال قدرتهای بزرگ واکنشی خواهد بود. ضمن اینکه در سطح منطقه‌ای نیز ایران فعلاً گزینه‌های مطلوبی برای تحت‌تاثیر قرار دادن رفتارهای امریکا ندارد. لذا سطح همراهی چین، روسیه و اروپایی‌ها در مسئله تحریم تسلیحاتی و بکارگیری مکانیسم ماشه از سوی برخی کشورهای اروپایی تعیین‌کننده‌ترین مولفه‌ها خواهند بود. مگر اینکه ایران رفتارهای شگفتی‌سازی از خود بروز دهد و به عنوان نمونه از ان‌پی‌تی خارج شود که آن هم پیامدهای خود را دارد.

- در مورد بکارگیری مکانیسم ماشه هم شاید نتوان عدم قطعیت بالایی متصور بود. لذا در تحلیل نهایی این مسئله اهمیت می‌یابد که شورای امنیت با محوریت اروپا، روسیه و چین در قبال تحریم تسلیحاتی ایران چه رویکردی اتخاذ کنند. شاید راه حل‌های میانی و تمديد محدود تحریم‌های تسلیحاتی ایران مورد اقبال بیشتری قرار بگیرد. البته نوع دیپلماسی و رویکرد ایران در این مدت بسیار مهم و اثرگذار خواهد بود.
- با توجه به شرایط موجود احتمال تصویب سند بین‌المللی علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل بسیار اندک است و آمریکا ناگزیر است سیاست فشار حداکثری علیه ایران را به صورت یکجانبه دنبال کند. به همین سبب احتمالاً واکنش به سراغ نهاد‌های بین‌المللی دیگر مانند شورای حکام خواهد رفت. البته طرح پیش‌نویس فعلی هم یک سند علیه ایران است که در بلند مدت تاثیر منفی خود را خواهد داشت.
- در این فرایند روسیه، چین و اروپا احتمالاً ناگزیر به دادن امتیازهایی به آمریکا خواهند شد، اما اینکه در مقابل چه امتیازی خواهند گرفت مهم است. در مورد لغو تحریم‌های تسلیحاتی احتمالاً دو طرف می‌توانند به یک راه حل میانه برسند مشروط بر اینکه آمریکا نخواهد اروپا را برای فعال کردن مکانیسم ماشه تحت فشار قرار دهد.
- در مورد برجام یک نکته مهم هم که باید مد نظر داشت این است که حتی در صورت انتخاب بایدن هم چشم‌انداز روشنی برای حل مسئله وجود ندارد. برخی از مشاوران

بایدن اعتقاد دارند که هرچند خروج از برجام اشتباه بوده، اما امریکا باید از «دستاوردهای» فشار حداکثری برای دستیابی به «توافقی بهتر» با ایران استفاده کند. در واقع مسئله اصلی میان امریکایی‌ها این است که این مذاکرات را چه کسی انجام دهد. به همین دلیل بر خلاف آنچه بعضاً گفته می‌شود، دل بستن به انتخاب بایدن برای بازگشت به برجام هم منطقی نیست.

- هر مذاکره و حتی توافقی در کوتاه مدت تأثیری جدی بر اقتصاد ما نخواهد داشت. شرایط پیش از کرونا امکان صادرات بیشتر را از جمله در حوزه انرژی میداد، اما ظاهراً فعلاً تا یکی دو سال پیش رو چنین امکان جدی وجود ندارد، بنابراین انگیزه‌ای به لحاظ اقتصادی برای حفظ برجام وجود ندارد. لذا در مجموع از طرف ایران هم نباید انتظار تحولی داشت.

- حتی تأثیرهای اجتماعی و اقتصادی داخلی هم برای دولت ترامپ مطلوب است. یک نکته حائز اهمیت در جامعه فعلی ایران ناامیدی و انتظار وقایع بد قریب‌الوقوع است که برای تحت فشار قرار دادن ایران مزید بر علت است.

- کرونا درون‌گرایی را در کل جهان تشدید کرده و خواهد کرد. این تحول ابزار تحریم را کم اثر میکند البته نه به معنای کاهش فشارها بر ایران و یا دیگر کشورهای تحریم شده، بلکه به این معنا که دیگر راهکار برون رفت از فشار اقتصادی مذاکره و توافق،

حداقل در یکی دو سال آینده، نخواهد بود. این یک روند جهانی است که کشورها بر داخل بیش از خارج متمرکز خواهند شد و معنای آن در ایران هم همین خواهد بود.

- از طرف دیگر، درگیر شدن با کرونا امکان اجماع بین‌المللی علیه ایران را کاهش داده است و به عبارتی تحولی جدی در سطح منازعه اتفاق نخواهد افتاد. امریکای ترامپ هم نمی‌تواند این فشار سیستمیک را حداقل در چند ماه آینده به کلی متحول کند.

### گزینه‌های راهبردی

در حال حاضر سه راهبرد متفاوت برای مقابله با سیاست فشار حداکثری امریکا در پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد:

- **اول همراهی کامل با روسیه و چین** به منظور استفاده از ظرفیت آنها؛ در اینصورت احتمالاً بخشی از فشار علیه ایران کاهش می‌یابد، اما در مقابل باید هر توافق احتمالی میان روسیه و چین با غربی‌ها را بپذیریم.
- **دوم. تشدید فشار در زمینه هسته‌ای؛** که میتواند شامل خروج از برجام، محدود کردن سطح دسترسی بازرسان آژانس اتمی یا هر اقدام تند دیگری مانند خروج از ان پی تی باشد. در اینصورت باید علاوه بر غرب مخالفت‌های روسیه و چین را هم تحمل کنیم. اتخاذ این راهبرد تنهایی استراتژیک ایران را به بالاترین نقطه خود می‌رساند و



تنها زمانی می‌تواند قابل دفاع باشد که جمهوری اسلامی ایران تولید بمب را به منظور ایجاد بازدارندگی واقعی در دستور کار داشته باشد؛ وگرنه باید هم هزینه‌های قابل توجه فعال‌سازی هرچه بیشتر صنعت هسته‌ای را بپذیرد و هم پیامدهای نزدیک شدن روسیه و چین به قدرت‌های غربی را. موضوع هسته‌ای تا آینده‌ای نامعلوم برای ما میتواند تولید هزینه کند، به همین دلیل در صورتی که قصدی برای طی کردن مسیری که کره شمالی طی کرده است را نداریم، هم هزینه زیاد خواهیم داد و هم از منافع و تبعات هسته‌ای شدن بی‌بهره خواهیم بود.

- **سوم تشدید فشار در زمینه غیر هسته‌ای و به طور مشخص در سطح منطقه‌ای.** در اینصورت هم روسیه و چین دلیلی بر مخالفت نخواهند داشت و هم موازنه فشار متعادلتر خواهد شد. بازی با عوامل منطقه‌ای ناگزیر کردن حریف به بازی در زمینی است که ما در آن دست برتر را داریم.

### **توصیه‌های راهبردی**

- بعد از ترور سردار سلیمانی این تصور ایجاد شده است که ایران دیگر توان بازیگری گذشته را ندارد و به همین دلیل آمریکایی‌ها فرصت را برای زدن ضربه نهایی به ایران مناسب می‌بینند. یکی از اقداماتی که ایران باید در برهه فعلی انجام دهد بازسازی

تصویر قدرت خود پس از ترور سردار سلیمانی نزد متحدان منطقه‌ای و رقبایش است. واقعیت این است که رسانه‌های خارجی پس از شهادت سردار سلیمانی مدام اخبار منفی که ممکن است تا اندازه‌ای هم قرین به واقع باشد، از کاهش قدرت ایران در عراق و منطقه پمپاژ کرده و بر این موضوع تاکید می‌کنند که ایران هیچ جایگزین قابل قیاسی برای سردار سلیمانی ندارد. حتی لحن و حرکات دولتمردان عراقی علیه منافع ایران تا اندازه‌ای تندتر شده است. این مسئله در صورت تداوم می‌تواند به نقش بازدارندگی ایران لطمه وارد کند. به طور کلی، احساس عدم حضور ایران در منطقه پس از ترور سردار سلیمانی قدری محسوس‌تر شده و سیاست مقاومت فعالانه تنزل پیدا کرده است. تداوم حضور این احساس می‌تواند به تشجیع نیروهای ضد ایرانی در منطقه و پرهزینه کردن مقابله با آن بیانجامد. ایران باید به بازسازی تصویر قدرت خود در منطقه اقدام نماید. متأسفانه برای افکار عمومی داخلی هم این تصور در حال قدرت گرفتن است چه رسد به افکار عمومی در منطقه و سطح بین‌الملل. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که جریان‌های داخلی در امریکا در مورد ضعف ایران اجماع پیدا کرده‌اند و از این نظر فرقی بین بایدن و ترامپ وجود ندارد. گذشته از حرفهای روشن جمهوری خواهان، برخی مشاورین بایدن هم بر این موضوع تاکید می‌کنند.

- اگر جمع‌بندی بر آن است که تداوم ریاست جمهوری ترامپ برای امنیت ملی ایران مضر است، توقف فشارهای منطقه‌ای علیه متحدان غرب دقیقاً علیه این نگرش کار می‌کند. به عبارتی، گفتمان ترامپ که با ترور سردار سلیمانی در برابر ایران احیا شده است، مشروعیت بیشتری در گفتگوهای انتخاباتی پیدا خواهد کرد. در شرایط موجود، آن که باید از خطر تشدید مخاصمات مسلحانه بترسد کشورهای منطقه هستند نه ما. آمریکا در چند ماه آتی حتماً دست به ریسک بزرگی نخواهد زد. لذا ما باید از این فرصت استفاده کنیم تا طرف مقابل به این نتیجه برسد که فشار آنها در سطح بین‌المللی ممکن است پاسخ‌های سخت منطقه‌ای داشته باشد.

- البته برخی از تحلیلگران معتقدند که طبق نظریه‌های روانشناسی افراد در بدست آوردن منافع حاضر به ریسک نیستند اما در ممانعت از دست دادن منافع حاضرند ریسک کنند. اگر شرایط داخلی آمریکا به لحاظ اقتصادی اشتغال و رضایت عمومی خوب بود احتمال پاسخ ترامپ به فشار منطقه‌ای ایران در آستانه انتخابات احتمالاً خیلی کم بود. چون در این شرایط که احتمال انتخاب مجدد او بالا است حاضر به ریسک برای منفعت بیشتر نخواهد شد. اما اکنون که شرایط داخلی آمریکا کاملاً برعکس است و ترامپ خطر شکست در انتخابات را حس می‌کند، این احتمال را هم باید در نظر گرفت که ممکن

است برای انحراف افکار عمومی و شاید حتی یک دستاورد بزرگ سیاست خارجی ریسک پاسخ گسترده به هرگونه اقدام ایران در منطقه را بپذیرد.

- نکته حائز اهمیت دیگر اینکه سازوکارهای درون برجامی (فشار بازگشت از تعهدات) خوب هستند اما اصلا کافی نیستند. ابزارهای فراتر از برجام لازم است تا اگر روزی قرار بر مذاکره مجدد شد، موازنه لازم شکل گرفته باشد و یا بازدارندگی ایجاد کند. با ابزارهای پیش از برجام ما به برجام هم نخواهیم رسید. با این حال، پرسشی که باید به آن پاسخ گفت این است که موازنه سازی فرابرجامی با تکیه بر چه منابعی می‌تواند اجرایی شود؟ کنش فرابرجامی منابع و توانمندی‌های بسیاری می‌خواهد و در صورتی که پاسخ لازم را به همراه نداشته باشد ممکن است در آینده به اهرمی برای فشار بر ایران تبدیل شود.

- نباید اجازه داد در شرایط فعلی روابط ایران با آژانس دچار مشکل شود. این مسئله کاملا در جهت استراتژی امریکاست. طی سال‌های گذشته گزارش‌های آژانس یکی از مهمترین دلایل ناکامی امریکا در ایجاد اجماع علیه ایران بوده است. اختلافات اخیر میان ایران و آژانس آنقدر عمیق و جدی نیست که ارزش ایجاد اجماع بین‌المللی علیه ایران را داشته باشد.

- راه حل‌های مختلفی وجود دارد که ایران با کمک روسیه و چین با آژانس به توافق جدیدی برسد که از یک طرف امنیت ملی و اقتدارش لطمه نخورد و از طرف دیگر درخواست آژانس هم بی‌پاسخ نماند و در واقع مانع از آن شویم که نقشه امریکا در به هم زدن روابط ایران و آژانس تحقق پیدا کند. نمونه‌برداری از اطراف دو سایت مورد نظر و نه خود این سایتها یکی از راه‌های موجود است.

### الزامات داخلی توصیه‌های سیاست خارجی

- ابهامات و پیچیدگی‌هایی کنونی و سردرگمی موجود در خصوص چگونگی پاسخ به راهبردها و فشارهای امریکا و تضاد دیدگاهها در مورد رویکرد احتمالی سایر قدرتهای بزرگ که در موضوعات مختلف از جمله برجام و مسئله هسته‌ای یا تحریم تسلیحاتی و اقتصادی نمود یافته است، تا حد زیادی از فقدان اجماع و راهبرد کلان و تعریف شده در سیاست خارجی ما ناشی می‌شود. گروه‌هایی که برجام و توافق با قدرتهای بزرگ را سیاستی اشتباه دانسته و باعث از دست رفتن سرمایه هسته‌ای و بازگشت تحریم‌ها می‌دانند، منتظر بازگشت به روند قبلی هسته‌ای شدن هستند و در پی تقویت رویکردها و مواضع داخلی خود نیز هستند، اما جریان دولت که هسته‌ای شدن را دام غرب برای امنیتی کردن ایران و اعمال فشار گسترده بر کشور می‌داند و بر این اساس وارد روند

برجام شد با احتیاط بیشتری رفتار می‌کند و عملاً گزینه قابل توجهی روی میز ندارد. در واقع فقدان راهبرد کلان سیاست خارجی که بتواند بین متغیرهای مختلف مانند هسته‌ای شدن، تحریم، شرایط اقتصادی و نفوذ منطقه‌ای ارتباط برقرار کند و مورد اجماع نسبی قرار بگیرد، مشکلی جدی است و متأسفانه این موضوعات مهم دستمایه رقابت جناحی در داخل کشور نیز شده است. نتیجتاً اینکه در این فضا رویکردهای ابتکاری در سیاست خارجی ایران ضعیف شده و عمدتاً واکنش به رویکردهای امریکا و غرب و گمانه‌ها در مورد میزان همراهی یا حمایت روسیه و چین برجسته شده است.

- انتظار تغییر جدی در سیاست خارجی ایران در قبال امریکا طی سه چهار ماه آینده واقع‌گرایانه نیست و اساساً نه کارایی دستگاه سیاست‌گذار و نه توان گفتمان‌سازی نخبگان ما در سطحی نیست که راه‌حل‌های بنیادین و کارآمد را به این سرعت تولید و عملیاتی کند. برجام نتیجه یک خرده گفتمان حاشیه‌ای بود که سال‌ها طول کشید تا به کانون سیاست‌گذاری بیاید و به دستور کار تبدیل شود؛ با وضعیتی که برای آن پیش آمده، انتظار یافتن سریع جایگزین برای آن از طرف ایران محدودیت‌های ساختاری گفتمانی دارد. البته باید در مورد «تغییر» یا «تحول» در سیاست خارجی ج.ا. هم با احتیاط صحبت کرد زیرا طی چهل سال گذشته ایران فقط دوبار تغییر مسیر چشمگیر داشته است که از هر دو هم به‌طور منفی یاد می‌شود.

- سیاست «صبر استراتژیک» و برخی دیگر از عناوینی که این روزها در مورد استراتژی ج.ا. مورد اشاره قرار می‌گیرد، نباید نام و پوششی برای «بی‌تصمیمی» باشد. در شرایط موجود به نظر می‌رسد که فعلا سکان کشتی را با طناب بسته‌ایم تا ببینیم امواج کشور را به کجا می‌برند.

- علاوه بر این، در اتخاذ هرگونه راهبردی باید به منابعی که دولت می‌تواند برای سیاست خارجی استخراج نماید توجه شود. اغلب تحلیل‌های ژئوپلیتیک این امر را مفروض می‌گیرند که دولت همواره توان استخراج منابع برای پیشبرد اهدافی که تعریف می‌کند را دارد. با این حال، در شرایط موجود واقعیت این است که منابع قابل استخراج دولت به شکل قابل توجهی کاهش یافته و می‌یابد. این روند تأثیرات خود را بر دایره کنش سیاست خارجی می‌گذارد. سیاستگذار اگر به منابع در اختیار توجه نکند به تدریج مجبور به توجه می‌شود. سیاست خارجی‌ای که بر پایه صادرات ۱۰۰ هزار بشکه نفت طراحی می‌شود به ناگزیر از سیاست خارجی‌ای که ۳ میلیون بشکه صادرات داشته است متفاوت خواهد بود. مسئله کلیدی تفکر راهبردی این است که با کاهش منابع در دسترس چگونه کنار بیایم.

- متأسفانه شرایط نامساعد اقتصادی در داخل کشور یکی از مهمترین بسترهایی است که سیاست فشار حداکثری امریکا به آن امید بسته است و تا زمانی که روند به همین

منوال باشد بعید است که علاقه یا الزامی برای تغییر سیاست در امریکا (چه با ترامپ و چه بدون آن) رخ دهد.

- در بعد نظامی باید توجه داشت عبور از آستانه بازدارندگی خطر تنش و مخاصمات مسلحانه را بالا می‌برد. تنش‌های نظامی سال گذشته در خلیج فارس نشان داد که بازدارندگی ایران در قبال سعودی‌ها حتماً و در برابر امریکا احتمالاً در سطح قابل قبولی قرار دارد. عبور از این آستانه، یعنی مثلاً افزایش برد موشک‌ها یا محدوده عملیاتی جنگنده‌ها، معمای امنیتی بازیگران منطقه و جهان به ویژه اروپایی‌ها را پیچیده‌تر می‌کند و این احتمالاً به جای ارزش افزوده تبدیل به منبع تهدید و تنش می‌شود.

- نهایتاً اینکه اگر ما امکانات داخلی را درست بکار بگیریم و یک وحدت ملی در برابر امریکا بوجود بیاوریم حتی اگر اروپا هم با امریکا کاملاً همسو شود، باز هم می‌توانیم این مرحله سخت را پشت سر بگذاریم، اما اگر به‌گونه‌ای موضع بگیریم که چین و روسیه هم با آنها متحد شوند، در آن زمان شرایط بسیار سخت خواهد شد و بعید است توان ملی کشش برخورد با چنین اجماعی را داشته باشد. پس بهتر است قبل از رسیدن به چنین وضعیتی حداقل شرایط داخلی را به سمت اتخاذ مواضع مشترک در برابر دشمن مدیریت کنیم. واقعیت این است که تنها راه عبور از بحران ایجاد همدلی، تجمع منابع، اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه و به کارگیری دیپلماسی فعالانه است.